

بررسی تقابلی افعال انعکاسی دو طرفه در زبان‌های فارسی و اسپانیایی

علی فیض‌الهی

استادیار دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران

تاریخ وصول: ۸۵/۲/۶

تاریخ تأیید نهایی: ۸۵/۳/۸

چکیده

ترجمه افعال انعکاسی دو طرفه، از زبان اسپانیایی به فارسی و بالعکس به دلیل پیچیدگی معانی، از موارد مشکل‌ساز به شمار می‌روند. هدف از این بررسی مطالعه اجمالی ساختارهای افعال انعکاسی دو طرفه در زبان‌های فارسی و اسپانیایی، با در نظر گرفتن تشابهات و تمایزات زبانی بین آن‌ها است. در مقاله فوق، چه‌گونگی ایجاد ارتباط بین افعال دو جانبه ذاتی و ساختاری و همچنین شیوه استفاده از واژه‌های اضافی در زمینه افعالی که فاقد ویژگی دوجانبی‌اند، برای رساندن منظور از زبانی به زبان دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این دو گونه فعل را به ترتیب افعال دوجانبی و افعال شبه دوجانبی می‌نامیم. در ادامه، برای یافتن راه حلی مناسب، به منظور معادل‌یابی در زبان مقصد، تقسیم‌بندی در هر یک از این شاخه‌ها انجام شده و هر یک از آنها به چند زیر شاخه تقسیم شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ضمیر مرجع‌دار، افعال انعکاسی، تقارن، تطابق، افعال دو طرفه، ترجمه، دو مفهومی.

تجزیه و تحلیل تطبیقی زبان فارسی و اسپانیایی

در اوایل نیمهٔ دوم سال‌های پنجاه، باب تازه‌ای در مباحث زبان‌شناسی کاربردی گشوده شد که لادو (لادو، ۱۹۵۷، صص ۳۷ و ۴۴) آن را فرضیه تجزیه و تحلیل تطبیقی نامگذاری کرد. بر طبق این نظریه، تداخل^۱ بین زبان‌ها نقش اساسی را در آموزش و یادگیری یک زبان دوم^۲ ایفا می‌کند و آن چیزی که آموزش داده می‌شود و یا فرا گرفته می‌شود، در نهایت تحت تأثیر و نفوذ زبان اول داوطلب می‌باشد. طرفداران نظریهٔ تطبیقی، ضمن اشاره بر تئوری رفتارگرایی متفقاً بر این باورند که به هنگام یادگیری زبان دوم، داوطلب تمایل بر انتقال فرم‌ها و معانی به دست آورده در زبان اول^۳ نشان می‌دهد و همین تمایل باعث بوجود آمدن تداخل زبانی بین زبان اول و زبان دوم داوطلب می‌شود. این گروه هم چنین استدلال می‌کنند که دشواری و یا آسانی یک زبان دوم به هنگام فراگیری آن نتیجهٔ مستقیم وجه اختلافات و یا تشابهاتی است که زبان اول داوطلب با زبان دوم دارا است.

هم چنین زمانی که تشابهات زبانی وجود دارد، داوطلب می‌تواند به راحتی ساختار زبانی و ویژگی‌های فرهنگی زبان اول خود را به آسانی به زبان دوم در حال فراگیری انتقال دهد و از سوی دیگر، چنانچه اختلافات و تمایزاتی بین زبان اول و دوم وجود داشته باشد، انتقال عادات کسب شده، منجر به ایجاد مشکل و بلوکه شدن آموزش و داوطلب شده و باعث اشتباه داوطلب در تولید و پذیرش می‌شود. اشتباه‌ها همواره به عنوان نشانهٔ عدم یادگیری صحیح تلقی می‌گردند و یا به عبارت دیگر، عدم داشتن ظرفیت کافی به منظور ایجاد ارتباطی صحیح و معقول بین محرک و واکنش از طرف داوطلب. به همین منظور روش‌های آموزش زبان دوم می‌بایستی در جهت ممانعت از بروز و یا از بین بردن زمینه‌های ارتکاب اشتباه پایه‌گذاری شوند. بدین طریق، از دیدگاه کاربردی پیش‌بینی می‌شد که مقایسهٔ تطبیقی زبان اول و دوم داوطلب، دارای مزیت‌های بسیاری است: به واسطهٔ این مقایسه، مدرس زبان قادر خواهد بود تا ضمن پی بردن بر وجه تشابهات و تمایزات ساختار زبانی زبان اول و دوم، داوطلب بتواند

۱- Transference که در متن معادل «تداخل مثبت» ترجمه می‌گردد.

۲- منظور از زبان دوم زبانی است که فرد بعد از زبان مادری فرا می‌گیرد برخی آن را زبان مقصد نیز می‌نامند.

۳- منظور زبان مادری است برخی آن را زبان مبدأ نیز می‌نامند.

اطلاعاتی را در ارتباط با مشکلات و آسانی آموزش زبان دوم مورد نظر به دست آورده و مناسب‌ترین اصول و روش را برای آن دسته از داوطلبان برنامه‌ریزی کند. تعمق در آنچه که در بالا بدان اشاره شد، ما را به سه مسیر هدایت می‌سازد: در وهله اول، موارد اعلام شده در زمینه تداخل، تمایزی مابین آموزش زبان و استفاده از آن را ایجاد نمی‌کند. در آثار لادو (Lado) (1957) به کرات اشاره گردیده که داوطلبان به هنگام استفاده از زبان دوم بر انتقال عناصر ساختار زبان اول خود تمایل دارند، ضمن این که نظر می‌دهد که سختی و یا آسانی فراگیری زبان دوم را فاکتورهای کاملاً زبانی تعیین می‌کنند، به عبارتی دیگر تشابهات و تمایزات زبانی موجود بین زبان اول و دوم. در وهله دوم، از یک سو، با ایجاد ارتباط میان سختی یا آسانی فراگیری و تشابهات و تمایزات زبانی، و از سوی دیگر، ایجاد تعادلی منطقی بین ماهیت روانشناسی زبان و زبانشناسی و رسیدن به این سرانجام که ظهور تداخل مثبت بین زبانی، به هر فرمی که باشد، از حیطة آموزش خارج است و بستگی به تشابهات و تمایزات دو زبان مورد نظر (زبان اول و دوم) دارد.

به دلیل انتقادهای شدید زبانشناسان ساختارگرای سال‌های هفتاد و به خاطر محدودیت‌هایی که در سال‌های هشتاد بر آموزش از طریق تجزیه و تحلیل تطبیقی زبان‌ها وارد شد، باعث گردید تا زبانشناسان طرفدار این روش از ارزش توصیفی آن بکاهند، به ویژه از بخش مرتبط مهمی که به «تداخل منفی»^۱ بین زبان‌ها مربوط می‌شد. هم‌چنین «تجزیه و تحلیل اشتباهات»^۲ نیز محدودیت‌هایی را به خاطر بی‌کفایتی تجزیه و تحلیل زبانی که بر اساس روش‌های کاملاً غیر کاربردی بنا شده بودند، متحمل شده انتشار مقالات و برگزاری سمینارها در سال‌های نود، نه تنها به خودی خود مبین این نکته است که با وجود تمامی این تلاش‌ها هیچ‌گاه نتوانستند مانع از اجرای نقش کاربردی تجزیه و تحلیل تطبیقی زبان‌ها و اشتباهات در آموزش زبان دوم شوند، بلکه به عنوان نمونه بارزی از نقض و خطرناکی نظریه ارائه تنها یک روش یا اصول آموزشی، با توجه به پیچیدگی موضوع آموزش زبان دوم به شمار می‌رود. تجربه کسب شده از این طریق این اجازه را به زبانشناسان و استادان آموزش زبان‌های خارجی داد تا بخش‌های گسترده‌تری را ضمن تجزیه و تحلیل اشتباهات با بهره‌گیری از روش تجزیه و

1- Interferencia

2- análisis de errores

تحلیل تطبیقی زبان‌ها با توجه به ویژگی‌های فردی و جغرافیایی و ویژگی‌های زبانی هر گروه، معقول‌ترین روش را به منظور آموزش زبان خارجی به کار گیرند.

تجزیه و تحلیل تطبیقی (اسپانیایی - فارسی)

هدف اصلی تجزیه و تحلیل تطبیقی بین دو زبان، مقایسه و تطبیق اشکال تشابهات و تمایزات دو نظام زبانی است. بدین ترتیب یک زبان‌شناس و یا استاد زبان‌های خارجی قادر خواهد بود تا به وضوح و به طور دقیقی نقاط تلاقی و یا تشابهات و تمایزات را تشخیص دهد. تطبیق دو زبان برای یک استاد زبان خارجی از ویژگی و اهمیت خاصی برخوردار است.

اهداف: اهداف زبان‌شناسی تطبیقی عبارتند از:

شناساندن ساختار، واژگان و ابزارهایی که جهت آموزش زبان خارجی، زبان‌شناسی در اختیار ما قرار می‌دهد.

مقایسه و تطبیق تمایزات اساسی در زمینه‌های آوایی و آوانگاری زبان اسپانیایی و فارسی.

تشخیص، طبقه‌بندی و تطبیق ترکیبات ساختاری دو زبان.

معرفی علم معناشناسی به عنوان یک عامل مهم برای تطبیق واژگان دو زبان.

معرفی روش‌های متعدد تجزیه و تحلیل نحوی که در زمینه تطبیق دستور اسپانیایی -

فارسی کمک شایانی می‌کند.

بهره‌گیری از پیامد مشتق از این روش برای آموزش زبان اسپانیایی به فارسی‌زبانان و یا

فارسی به اسپانیایی‌زبان‌ها.

تجزیه و تحلیل تطبیقی اشتباهات و تداخل منفی دانشجویان ایرانی زبان اسپانیایی:

مطالعات و تحقیقات بسیاری در ارتباط با فراگیری زبان اسپانیایی به عنوان زبان خارجی

در مورد دانشجویانی که زبان اول آنها جزو زبان‌های نادر به شمار می‌رود صورت نگرفته است. فاکتورهای عدیده‌ای می‌تواند در بی‌توجهی کارشناسان و زبان‌شناسان به این بخش دخالت داشته باشد. فاکتورهایی نظیر این که کشورهایی که به زبان‌های نادر تکلم می‌کنند

توجه و علاقه کمتری نسبت به کشورهای دیگر (نظیر کشورهای اروپایی) به زبان اسپانیایی نشان می‌دهند و به این فاکتور عدم شناخت کافی اساتید خارجی که در این گونه کشورها به

آموزش زبان اسپانیایی اشتغال دارند از زبان و گویش محلی داوطلبان که دارای ساختار و

ترکیب متفاوت‌تری از زبان دوم در حال آموزش است غافل بوده‌اند، را نیز باید اضافه نمود. و

هم چنین به دلیل عدم وجود یک روش و روند آموزش - فراگیری برای دانشجویانی که زبان دوم را خارج از محیط آموزش می‌بینند و عدم ثبات استادان در انتخاب روش مناسب، به دلیل عدم شناخت کافی فاکتور و اهداف آموزش که در فراگیری یک زبان دوم دخالت دارند و نیز عدم وجود مطالعه کافی درباره روش‌های جاری در دنیا در زمینه آموزش زبان دوم خارج از محیطی که بدان زبان تکلم می‌کنند و در نهایت عدم وجود وسایل آموزشی که باید ویژگی و خصیصه دانشجویان ایرانی را نیز به آن افزود.

بحث و بررسی

تقابل از جمله تناوبات آموزش زبان بشمار می‌رود که در طی آن به مطالعه ارتباط متقابل بین دو عنصر و یا دو عضو شرکت کننده پرداخته می‌شود:

$$P \leftrightarrow q$$

نمودار فوق این نکته را روشن می‌سازد که چنانچه ارتباط تقابلی بین p و q به عنوان عناصر شرکت کننده در نظام وجود داشته باشد، این ارتباط به صورت تقابلی خواهد بود به عبارتی $p > q$ برابر است با $q > p$. دیاگرام تقابل بین اجزای نظام زبان‌ها به صورت زیر خواهد بود:

$$a. P \leftrightarrow q$$

$$b. (p \rightarrow q) = (q \rightarrow p)$$

$$c. (P \rightarrow q) \rightarrow (q \leftarrow p) = (p \leftarrow q) \rightarrow (p \rightarrow q)$$

این بدین معناست که چنانچه عبارتی نظیر «Juan visitó a María» (خوان ماریا را ملاقات کرد) را در نظر بگیریم موارد زیر برای مثال مصداق خواهند بود:

$$\text{Juan visitó a María} \leftrightarrow \text{María visitó a Juan}$$

خوان ماریا را ملاقات کرد \leftrightarrow ماریا خوان را ملاقات کرد

$$(\text{Juan visitó a María}) = (\text{María visitó a Juan})$$

خوان ماریا را ملاقات کرد = ماریا خوان را ملاقات کرد

$$(\text{Juan visitó a María}) \rightarrow (\text{María visitó a Juan}) = (\text{María visitó a Juan}) \rightarrow$$

$$(\text{Juan visitó a María})$$

$$= (\text{خوان ماریا را ملاقات کرد}) \leftarrow (\text{ماریا خوان را ملاقات کرد})$$

(ماریا خوان را ملاقات کرد) ← (خوان ماریا را ملاقات کرد).

۱. وجه تقابلی در افعال انعکاسی دو طرفه

اگر چه در این مقاله سعی بر تمرکز بر تقابل افعال است ولی این بدان معنا نیست که حالت تقابلی فقط و فقط در مورد افعال مصداق دارد. بلکه این حالت را می‌توان دربارهٔ ضمائر، صفات و حتی حروف اضافه نیز نشان داد:
به مثال‌های زیر توجه کنید:

۱- پدر من و عموی شما دوستان نزدیکی‌اند. *Mí padre y su tío son buenos amigos*

۲- این کشورها سال‌هاست که با یکدیگر دشمن‌اند.

Esos países son enemigos desde hace muchos años.

۳- صندوق‌های پستی ما پشت سر هم‌اند.

Nuestros buzones son contiguos.

Estoy de acuerdo contigo.

۴- با شما موافقم

همانطور که از مثال‌های بالا برمی‌آید، در زبان اسپانیایی می‌توان دو نوع دو جانبه‌گی را

مشاهده کرد:

۱- دو جانبه‌گی بارز که در این نوع انعکاسی دو طرفه وجود دارد نظیر «با هم» و

«یکدیگر» در زبان فارسی و "juntos" در زبان اسپانیایی.

Mis padres y yo vivimos juntos من و والدینم با هم زندگی می‌کنیم.

Ellos se miran uno al otro. آنها به یکدیگر نگاه می‌کنند

Nos escribimos todas las semanas ما هر هفته به یکدیگر نامه می‌نویسیم

۲- دو جانبه‌گی غیر بارز، در این گونه دو جانبه‌گی‌ها نشانه دو جانبه‌گی به منظور رفع

ابهام در یک زبان است، ولی در زبان دیگر صرفاً از مفهوم جمله پی به آن برده می‌شود:

۱- آنها ساعت چهار یکدیگر را ملاقات خواهند کرد. *Ellos entrevistarán a las cuatro.*

۲- این دامن و این پیراهن به هم نمی‌آیند. *Esa falda y esa camisa no pegan.*

دو جانبه‌گی بارز عبارت است از استفاده از نشانه‌هایی در عبارت به منظور نشان دادن

تقابل عمل، احساس و یا دو عنصر جمله. در حالی که دو جانبه‌گی غیر بارز عبارت است از

نشان دادن تقابل، بدون استفاده از علائم و نشان تقابلی.

زبان فارسی بر خلاف زبان اسپانیایی فاقد نشانه‌های دو جانبه‌گی غیر بارز است بنابراین برای رساندن مفهوم کلیه عباراتی که از زبان اسپانیایی به فارسی ترجمه می‌شوند، نیاز به استفاده از نشانه‌های دو جانبه‌گی بارز می‌باشد. به عنوان مثال دو عبارت اسپانیایی زیر به زبان فارسی به یک صورت ترجمه می‌شوند، ضمن این که در زبان اسپانیایی عبارتی که از نشانه‌های دو جانبه‌گی استفاده می‌کند و عبارتی که استفاده نمی‌کند دارای تفاوت‌های عمده معنایی‌اند که در زبان فارسی به هنگام ترجمه به دلیل عدم تقارن بین زبان‌ها، این تفاوت‌ها رعایت نمی‌شود و انتقال مفهوم به درستی صورت نمی‌گیرد. به مثال زیر توجه کنید:

- خوان و ماریا همدیگر / یکدیگر را نگاه می‌کنند. *Juan y María se miran.*
- خوان و ماریا همدیگر / یکدیگر را نگاه می‌کنند. *Juan y María se miran uno al otro.*
همانطور که از مثال‌ها بر می‌آید در زبان فارسی تمایزی بین دو جانبه‌گی بارز و غیر بارز وجود ندارد و هر دو بصورت بارز ترجمه می‌شوند، در غیر این صورت مفهوم قابل انتقال نخواهد بود.

ساختار زبان فارسی به گونه‌ایست که برای نشان دادن تقابل، الزاماً باید از نشان تقابل استفاده کرد، بنابراین به هنگام ترجمه از زبان فارسی به اسپانیایی مترجم دچار ابهام نمی‌شود:
۱- من و برادرم همدیگر را هر هفته می‌بینیم. (دو نفر شرکت کننده)

Mi hermano y yo nos vemos todas las semanas.

۲- من و برادرم و خواهرم یکدیگر را هر هفته می‌بینیم (سه نفر شرکت کننده).

Mi hermano, mi hermana y yo nos vemos todas las semanas

۳- شما دو تا همدیگر را خیلی دوست دارید. (دو نفر شرکت کننده)

Vosotros dos os queréis mucho.

۴- شما سه نفر همدیگر را خیلی دوست دارید. (دو نفر شرکت کننده)

Vosotros tres os queréis mucho.

۵- خوان و ماریا اشعار عاشقانه می‌سرایند.

Juan y María se escriben poemas de amor.

و یا

۵-۲ خوان و ماریا برای یکدیگر اشعار عاشقانه می‌سرایند.

۶- خوان، آتونيو و پدرو کادو عيد برای یکدیگر می‌فرستند. (سه شرکت کننده)

Juan, Antonio y Pedro se envían regalos por Navidad.

در این رابطه، و با توجه به مثال‌ها می‌توان اذعان کرد که ارتباط مستقیم و منطقی بین فارسی و اسپانیایی در زمینه معادل‌یابی و یا حتی معادل‌سازی آنچه که افعال متقابل نامیده می‌شوند وجود ندارد. حتی این عدم وجود ارتباط منطقی گاهی اوقات باعث ایجاد ابهام در مترجم می‌گردد، در مثال شماره ۵ با توجه به این که ضمیر **se** از ضمیری می‌باشد که هم می‌توان از آن برای غیر شخصی نمودن فعل استفاده نمود و هم عمل متقابل را انجام داد (در زبان فارسی معادلی برای این ضمیر وجود ندارد) بنابراین مترجم به هنگام ترجمه دچار ابهام می‌شود، و جمله فوق به دو روش با مفهوم کاملاً مجزا ترجمه می‌گردد که نمونه بارزی است از تأیید گفته‌های روزا رابادان^۱ (روزا رابادان، ۱۹۹۵، ص ۲۴) «نظریات تندروانه نظیر ترجمه‌ناپذیری/ ترجمه‌پذیری، ترجمه تحت‌اللفظی/ ترجمه آزاد را باید به کناری نهاده و موضع منطقی‌تر و امروزی‌تری نسبت به فرایند ترجمه اتخاذ کرد. ترجمه امکان‌پذیر است، بنابراین کلیت بخشیدن به لفظ ترجمه‌ناپذیری نوعی، زمان‌پریشی است، از سوی دیگر، ترجمه همه چیز امکان‌پذیر نیست و در اینجاست که مسئله عدم تطابق زبان‌ها مطرح می‌شود، به عبارتی، در برخی از قسمت‌ها یافتن معادل در زبان مقصد، محدود می‌شود، محدودیت‌هایی که شامل محدودیت‌های بیانی‌اند ولی این عدم امکان معادل‌یابی، دال بر نداشتن نقش (مفهوم) کاربردی در زبان مقصد نیست».

به همین دلیل نمی‌توان گفت که ضمائر اسپانیایی نظیر **nos, os, se** فقط دارای یک معادل در زبان فارسی‌اند، بلکه این ضمائر با توجه به نقش مفهومی که در زبان مبدأ اشغال می‌کنند، دارای معانی متفاوتی در زبان فارسی خواهند بود که گاهی اوقات با توجه به تعداد شرکت کنندگان در بحث «با همدیگر» گاهی «با یکدیگر» (مثال ۵) و گاهی نیز ترجمه نمی‌شوند (مثال ۵). در حالت‌های برابر نیز با توجه به نقش مفهومی «با همدیگر» و «با یکدیگر» در زبان اسپانیایی با توجه به سوم شخص مفرد، اول شخص جمع و دوم شخص جمع بودن **nos, os, se** ترجمه می‌گردند بنابراین می‌توان گفت که در زبان اسپانیایی از نقش دستوری بریا معادل‌یابی بهره گرفته می‌شود، ضمن این که در زبان فارسی از نقش

مفهومی که در جمله به اعضای شرکت کننده در نظام زبانی داده می‌شود معادل‌یابی می‌گردد و بنابراین به گونه‌ای متفاوت عمل می‌گردد. و همین نکته باعث بوجود آمدن مشکلات عدیده‌ای بر سر راه ترجمه حتی برخی از عبارات ساده می‌گردد.

بدون شک، نبود ارتباط مستقیم بین نقش متقابلی افعال و ضمایر در دو زبان اسپانیایی و فارسی، تنها مشکل راه ترجمه در این دو زبان نیست. شاید مشکل اساسی زمانی است که مترجم می‌خواهد کاربرد زبانی مشخصی را در زبان دیگر بکار گیرد ولی عملاً به دلیل نداشتن اطلاعات لازم، قادر به انتخاب نیست. این مشکل بیشتر به هنگام ترجمه از زبان اسپانیایی به فارسی بروز می‌یابد. به مثال زیر توجه کنید:

Mi hermano y mis padres se llaman por teléfono dos veces al mes.

عبارت ساده تقابلی بالا به سه طریق در زبان فارسی ترجمه می‌شود:

در این عبارت ساده دو شرکت کننده وجود دارد، «برادرم»^۱ و «والدینم»^۲. که شرکت کننده اول «برادرم» و شرکت کننده دوم «والدینم» می‌باشند. رابطه متقابل باعث ایجاد یک ارتباط متقابل بین اعضای شرکت کننده می‌گردد، بنابراین جمله فوق بدین معنا خواهد بود که برادرم به والدینم زنگ می‌زند و والدینم نیز به برادرم زنگ می‌زنند بنابراین با برداشت مفهومی، این جمله بدین صورت ترجمه خواهد شد:

برادرم و والدینم دو بار در ماه به یکدیگر زنگ می‌زنند.

برداشت مفهومی دیگر بدین صورت است که در لفظ «والدینم» در واقع دو شرکت کننده وجود دارد، مادر و پدر و بدین ترتیب شرکت کنندگان در عبارت فوق دو نفر نیستند بلکه سه نفرند به عبارتی برادرم از یک سو به پدرم زنگ می‌زند و از سوی دیگر به مادرم. پس جمله بالا بدین صورت ترجمه خواهد شد:

برادرم دو بار در ماه با پدرم از یک سو و مادرم از سوی دیگر تلفنی صحبت می‌کند.

برداشت آخری نیز بدین ترتیب خواهد بود:

برادرم، پدرم و مادرم در ماه دو بار با یکدیگر تلفنی صحبت می‌کنند.

همانطور که مشاهده می‌کنیم، ابهام این ارتباط متقابل منحصرأ به ویژگی «جمع» والدینم

1- Mi hermano

2- Mis padres

مربوط می‌شود. بدین ترتیب عبارت فوق می‌تواند پیچیده‌تر نیز مطرح شود، یعنی شرکت‌کننده بیشتری داشته باشیم. به عبارتی چنانچه به جای «برادرم» «برادرانم» می‌بودند:

-Mis hermanos y mis padres se llaman por teléfono tres veces al mes.

- برادرانم و والدینم سه بار در ماه تلفنی بایکدیگر صحبت می‌کنند.

پدیده ابهام‌برانگیزی در برخی از ساختارهای جملات تقابلی نیز قابل بحث است به عنوان مثال در جمله زیر:
خوان و ماریا سال گذشته جدا شدند.

Juan y María se divorciaron en año pasado.

از مثال‌های بالا به علت وجود فعلی که هم در زبان فارسی و هم در زبان اسپانیایی تقابل را می‌رساند، این دو نتیجه استنتاج می‌شود: نتیجه اول این که خوان و ماریا زن و شوهر بودند و در سال گذشته از یکدیگر جدا شدند. نتیجه دوم این که نظر به هماهنگی موجود بین عبارات اسمی که در واقع جانشین فاعل جمله شده‌اند، حاصل اشتراک متقابل نیست، بلکه دال بر کثرت فاعل است که به هنگام ترجمه مترجم می‌بایستی در زبان مقصد دست به حذف بافتی درباره شرکت‌کننده دوم که در روابط متقابل عبارت فوق شرکت دارد، بزند. یعنی خوان و ماریا زن و شوهر نیستند، بلکه از زن و شوهر خود جدا شده‌اند.

چنانچه بخواهیم رابطه منطقی بین اعضای شرکت‌کننده در بحث ایجاد کنیم، بهترین فرم بیان کردن مثال بالا بصورت زیر خواهد بود:
خوان و پدر و سال گذشته جدا شدند.

که این مسئله دال بر نفی ساختار مثال قبلی نیست. ضمن این که این مثال نیز به نوبه خود ایجاد ابهام می‌کند.

در ابتدای مقاله سعی شد تا تمایزات موجود بین دوطرفه بارز و غیر بارز را تعریف کنیم که به طور کلی می‌توان گفت در زبان اسپانیایی افعال انعکاسی دو طرفه که به طور ذاتی دارای این ویژگی‌اند، نیازی به عنصر جانشین برای نشان دادن تقابل عمل ندارند، چرا که این حالت به طور ذاتی در معانی آنها نهفته است، ولی چنانچه نیاز به بیان عملی متقابل با استفاده از فعل غیر متقابل داشته باشیم، از نشان تقابلی استفاده می‌کنیم که آن را شبه تقابل می‌نامیم. در زبان فارسی این قانون صدق نمی‌کند، چرا که با توجه به مثال‌های ارائه شده در این زبان برای نشان

دادن تقابل الزاماً باید از نشان‌های تقابلی «با یکدیگر» «با همدیگر» «با هم»، غیره استفاده برد.

دیگرام ارتباط منطقی افعال انعکاسی دوطرفه به صورت زیر خواهد بود:

$$(p \rightarrow q) \rightarrow (p \leftarrow q) \text{ و به همین دلیل } (p \rightarrow q) = (p \leftarrow q)$$

(خوان از ماریا جدا شد) \equiv (ماریا از خوان جدا شد) پس (خوان از ماریا جدا شد) به

معنای (ماریا از خوان جدا شد) است.

این قانون در زبان اسپانیایی فقط دربارهٔ افعال انعکاسی دو طرفه صدق می‌کند و افعال دیگر در صورت دارا بودن ویژگی دوطرفه در عبارت (دارای ضمیر جانشینی باشند) می‌توانند این نقش را ایفا کنند. در غیر این صورت ارتباط منطقی آنها بدین صورت خواهد بود:

$$(p \rightarrow q) \neq (p \leftarrow q)$$

به عبارتی در جمله: (خوان ماریا را دید) \neq (ماریا خوان را دید)

تمایز موجود بین افعال دو طرفه و شبه دوطرفه، همان موردی است که در زمینهٔ افعال

متقابل بارز و غیر بارز اشاره شد:

افعال دوطرفه = افعال متقابل غیربارز

خانه‌های ما همه قشنگند.

والدینمان ناراضی‌اند. (ابهام‌آمیز)

این رنگ‌ها به هم نمی‌آیند

آنها برای دو ساعت جنگیدند. (ابهام‌آمیز)

همانطور که از مثال‌ها بر می‌آید در زبان فارسی چه در زمینهٔ افعال دوطرفه و چه در

زمینهٔ افعال متقابل غیر بارز،

به کلمات ابهام نیاز داریم. در غیر اینصورت نظیر مثال شماره ۲ و ۴ مبهم خواهد بود.

افعال شبه دوطرفه = افعال متقابل بارز

۱- برادرانم دلشان برای یکدیگر تنگ شده.

۲- آنها به یکدیگر عشق می‌ورزند.

۳- تا حد مرگ از یکدیگر نفرت دارند.

۴- همدیگر را به قصد کشت می‌زدند.

در زمینهٔ افعال شبه دوطرفه در زبان فارسی، بدون وجود کلمات ابهام جمله ناقص بوده و

اصلاً مفهوم خود را نمی‌یابند ضمن این که در زبان اسپانیایی این نقش با توجه به موقعیت فعل در مورد افعال شبه دوطرفه دقیقاً همان کاربرد افعال دوطرفه را دارند و نیازی به کلمات مبهم ندارند.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، از مثال‌های فوق چنین برمی‌آید که نقش افعالی که ماهیتاً دارای ویژگی دوطرفه‌اند و افعال متقابل غیرباز از یک سو و نقش افعال شبه دوطرفه و متقابل باز از سوی دیگر، به خودی خود برابری آنها را می‌رساند ولی این فقط صورت قضیه است چرا که گاهی اوقات چه در زبان فارسی و چه در زبان اسپانیایی به افعالی برمی‌خوریم که برای نشان دادن نقش تقابلی و یا دوطرفه بودن آنها نیازمند ضمائر جانشینی‌اند و بالعکس یعنی به افعالی نیز برمی‌خوریم که نقش تقابلی در آنها ذاتی نیست ولی نیازی نیز به ضمائر جانشینی برای نشان دادن عمل متقابل ندارند نظیر مثال‌های زیر:

افعال دوطرفه = افعال متقابل باز

- Tu hermano y tu hermana se parecen.

برادر و خواهرت خیلی شبیه‌اند.

سرانجام باید افزود که استفاده از ضمائر جانشینی در زبان فارسی و اسپانیایی، صرف نظر از رفع تفاوت‌های ابهام معنایی تفاوت‌های ساختاری نیز در جمله ایجاد می‌کنند. استفاده از افعال متقابل غیر باز در زبان فارسی بسیار متداول‌تر از زبان اسپانیایی است. در نتیجه منطقی به نظر می‌رسد که در زبان فارسی روابط دو طرفه از طریق ساختارهای افعال لازم (به زمینه زمانی که دو شرکت کننده هر دو نقش فاعلی را در جمله دارند) ضمن این که در زبان اسپانیایی بیشتر افعال دارای ساختار تک لازمی‌اند چرا که اغلب از ضمائر جانشینی استفاده می‌شود که نقش مفعولی در جمله ایفا می‌کنند. باید توجه داشت افعالی که در زبان اسپانیایی دو طرفه ذاتی تلقی می‌شوند، معمولاً به صورت بارزند، بنابراین عدم وجود گروه افعال شبه دوطرفه در زبان اسپانیایی (بر خلاف زبان فارسی) زیاد باعث تعجب نمی‌شود. نظیر مثال زیر:

Los encontré chismeando en la cocina.

داشتند در آشپزخانه (با هم) پچ پچ می‌کردند.

۲. وجه تقابلی در ضمائر انعکاسی مرجع‌دار

در این بخش موارد هماهنگی بین ضمائر انعکاسی زبان اسپانیایی و فارسی را مقایسه

می‌کنیم. از مقایسه فوق این موضوع استنتاج می‌شود که معادل‌سازی اجزای یک عبارت و یا جمله از یک زبان در زبان دیگر، فراتر از تشابهات صرفی ساختواژه است و زبان‌هایی که دارای صورت صرفی غنی نیستند، نظیر زبان فارسی، از نشانه‌های تعیین شده‌ای برای نشان دادن تناوب معنایی استفاده می‌کنند.

در این بخش در ابتدا ضمائر انعکاسی مرجع‌دار دو طرفه مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت و در مرحله بعدی تطابق زبانی این گونه ضمائر در زبان فارسی و اسپانیایی به منظور یافتن تشابهات و تمایزات بین آنها، صورت خواهد گرفت.

سابق بر این ضمائر انعکاسی مرجع‌دار به ضمائری اطلاق می‌شد که برای بیان کامل منظور نیاز به جمله پیشین و یا پسین در مباحثه داشتند. ضمائر شخصی، ضمائر انعکاسی و دو طرفه از جمله این ضمائر به شمار می‌روند. بنابراین با توجه به ماهیت این گونه ضمائر، آنها به تنهایی فاقد هر گونه معنا بوده و الزاماً می‌بایستی وابسته به عبارت قبلی و بعدی خود باشند. با این وجود، دستور زبان زایشی تمایز آشکاری بین نقش ساختاری ضمائر ذکر شده و دیگر ضمائر قایل می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که فقط انعکاسی‌ها و دو طرفه‌ها از نوع ضمائر مرجع‌دار انعکاسی به شمار می‌روند چرا که عبارات پیشین آنها جایگزینی استواری دارند.

در زبان اسپانیایی، نظیر زبان فارسی، ضمائر شخصی بر خلاف ضمائر انعکاسی و دو طرفه نیازی به پیشین در داخل عبارت ندارند، در حالی که ضمائر انعکاسی و دو طرفه برای رساندن مفهوم نیازمند پیشین خود می‌باشند.

Pedro piensa que se tomo una taza de té.

پدرو فکر می‌کند که یک فنجان چای نوشیده است.

María piensa que José se afeitó.

۲. ماریا فکر می‌کند که خوزه ریشش را زده (عمل به خود شخص برمی‌گردد) با توجه به نقش نابرابر ضمائر و انعکاسی‌ها در عبارات، در «تئوری پیوند» اصول متفاوتی نسبت به آنها وجود دارد. (چامسکی، ۱۹۸۰). این گونه اصول به نام اصل A برای ضمائر مرجع‌دار و اصل B برای ضمائر شخصی و اصل C برای دیگر عبارات نامگذاری شده‌اند. چنانچه مطالعات خود را بر روی ضمائر مرجع‌دار متمرکز کنیم، همانطور که از مثال‌های زیر

برمی‌آید، متوجه خواهیم شد که در واقع عباراتی‌اند که پیشینه و یا عبارتی که از آن نشأت گرفته باشد بسیار نزدیک به خود ضمیر مرجع‌دار مورد بحث می‌باشد:
 ۳. خوان فکر می‌کند که پدرو عاشق خودش است.

3. Juan piensa que Pedro se ama a sí mismo.

۴. خوان و پیتر فکر می‌کنند که لویس و پاکو به یکدیگر سلام دادند.

4. Juan y pedro piensan que Luis y Paco se saludaron el uno al otro.

همانطور که از مثال‌های شماره ۳ و ۴ برمی‌آید، ضمائر انعکاسی و متقابل به جای دلالت بر فاعل عبارت پایه به نزدیک‌ترین پیشینه خود، یعنی فاعل عبارت پیرو دلالت می‌کنند. ساختار نحوی عبارات انعکاسی و متقابل در زبان فارسی چه از نظر مفهومی و چه از نظر جایگذاری، خیلی به هم نزدیک‌اند که این مسئله در زبان اسپانیایی به صورت دیگری عنوان می‌شود بنابراین در ترجمه عبارات با این ویژگی‌ها مترجم عملاً تمایزی بین یک عبارت انعکاسی و یک عبارت متقابل قائل نمی‌شوند، از این رو در اکثر موارد ترجمه‌های خلاف واقعیت را ارائه می‌دهد. به همین دلیل لازم است مسئله فوق را از دیدگاه تئوری پیوند بررسی کنیم:

با توجه به «نظریه کمینگی»^۱ پدیده پیوند از پدیده اولیه دیگری ناشی می‌گردد که به نام پدیده جابه‌جایی^۲ معروف است (هرمون و سونگ^۳، ۱۹۹۰، چامسکی ۱۹۹۳، هورنشتین^۴ ۱۹۹۷، کیتانا^۵ ۱۹۹۸). که پدیده فوق در هر زبانی، با توجه به ویژگی‌های آن، به نوعی اعمال شده است که البته هدف این مقاله، بررسی مسائل مرتبط با این تئوری نیست بلکه ارائه توصیفی از هماهنگی‌های موجود بین اجزای عبارت به منظور تجزیه و تحلیل صحیح ضمائر مرجع‌دار است.

دستور زبان سنتی و گشتاری هر دو بر این مسئله متفق‌القولند که اعمال متقابل برای ابراز در بحث می‌بایستی وابسته به عامل دیگری باشند. این عامل در زبان اسپانیایی ناگزیر به حالت

1- Minimalist theory

2- Movment

3- Hermon and Sung

4- Hornstein

5- Quintana

جمع در جمله ظاهر می‌شود ضمن این که در زبان فارسی، با توجه به فاعل صورت مفرد و یا جمع به خود می‌گیرد. و با توجه به این که صورت جمع در زبان اسپانیایی شامل تمامی اجزای جمله می‌گردد بنابراین مشکلات عدیده‌ای را برای مترجم فارسی زبان ایجاد می‌کند.

۳. شکل و مفهوم ضمائر مرجع‌دار متقابل در زبان اسپانیایی و فارسی

همانطور که از مثال‌های ۳ و ۴ برمی‌آید به نظر می‌رسد که ساختار دو زبان از یک قانون تبعیت می‌کنند اما از نقطه نظر صرفی و مفهومی کاملاً از هم متمایزند در زبان فارسی ضمن این که فعل انعکاسی خود را با صورت مفرد و یا جمع فاعل مطابقت می‌دهد، الزاماً نیاز به یک ضمیر مرجع‌دار نیز دارد که این مسئله در زبان اسپانیایی با یک پیشینه جمع، یک واژه بست *se* و یک ضمیر مرجع‌دار *el uno al otro/ uno a otro/ los unos a los otros/ unos a otros* که گاهی اوقات در جمله ظاهر می‌گردد و گاهی اوقات محذوف است عنوان می‌گردد. اینک عبارات زیر را از نقطه نظر مفهومی و ساختاری مورد بررسی قرار دهیم:

۵. خوان و پیترو یکدیگر را کتک زدند.

5. Juan y Pedro se golpearon el uno al otro.

۶. والدین و فرزندان یکدیگر را دوست دارند.

6. Los padres y los hijos se quieren los unos a los otros.

در مثال شماره ۵ یک صورت جمع حداقل داریم که شامل دو عضو است و به همین دلیل، فقط دو برداشت مفهومی وجود دارد: «خوان پدر را کتک زد» و «پدرو خوان را کتک زد». در مثال ۶، یک جمع مضاعف داریم، متشکل از والدین و فرزندان، بنابراین درصد احتمالات مفهومی بسیاری وجود دارد. به همین دلیل ترجمه‌های بیشماری را می‌توان برای مثال شماره ۶ فرض کرد. به عبارتی گروه جمع می‌تواند مفهوم‌های متفاوتی را در بر داشته باشد و در نتیجه ترجمه‌های متفاوت، پس ترجمه دقیق مفهوم این گونه عبارات، بسیار پیچیده و حتی گاهی امکان‌ناپذیر خواهد بود.

یک مقایسه توضیحی در این رابطه، بین دو زبان فارسی و اسپانیایی وجود دارد و آن این که در زبان اسپانیایی، همانطور که قبلاً مشاهده شد، محدودیت‌های ساختواری از ترجمه مفهومی یک عبارت وجود دارد. عباراتی دارای ترجمه و برداشت مشخص‌اند که دارای ضمیر مرجع‌دار مفردند ضمن این که در زبان فارسی این عمل متقابل را همواره با عباراتی نظیر «با

یکدیگر» «با همدیگر» و غیره نشان داده می‌شود حال عبارت انعکاسی باشد و یا تقابلی فرقی نمی‌کند بنابراین ترجمه از فارسی به اسپانیایی به خاطر این ویژگی ساده‌تر است تا عکس آن.

۴. تطابق و مفهوم متقابل

در این بخش به معرفی راهکارهایی به منظور ترجمه عباراتی که دارای ویژگی متقابل‌اند و از نظر مفهومی به دلیل دارا بودن ضمیر مرجع‌دار مشکل سازند، خواهیم پرداخت.

نشانه‌های ساختارهای ضمیر مرجع‌دار متقابل در زبان اسپانیایی آنهایی‌اند که به نام تطابق شمارش، جنسیت و معرفه شناخته شده‌اند. بدین ترتیب چنانچه جمله معرفه با قید شمارشی مبهم مفرد و مذکر uno در اول عبارت پدیدار شود، طبق قانون تطابق، کلیه جمله مفرد و مذکر خواهد بود (موردی که در زبان فارسی، به دلیل ویژگی خاص آن، فقط بخش مفرد بودن آن صدق می‌کند) و نیز چنانچه جمله معرفه با حرف تعریف معین el شروع شود ناگزیر کلیه جمله از آن تبعیت خواهد کرد. موقعیت متقابل موقعیتی است که در آن دو یا چند عنصر بر روی یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. به عنوان مثال عبارت شماره ۴ بدین معنا خواهد بود که لویس به پاکو سلام می‌کند و پاکو نیز به لویس با این وجود زمانی که بیش از دو عضو در جمله داریم وضعیت تقابل بسیار پیچیده‌تر از اینها خواهد شد و در نتیجه ترجمه آن عملاً غیر ممکن می‌شود. و یا در مثال شماره ۷ دقیقاً مشخص نیست که چه کسی و یا چه کسانی به یکدیگر علاقه‌مندند:

۷. خانواده پرز خیلی به هم علاقه دارند.

7. la familia Pérez se quieren unos a otros/ los unos a otros/ uno a otro

در مثال شماره ۷ چنانچه از ضمیر مرجع‌دار unos a otros استفاده کنیم به مفهوم این است که تک اعضای خانواده به یکدیگر علاقه دارند ولی چنانچه از عبارت uno a otro استفاده کنیم به معنای این است که فقط دو تن از اعضای خانواده به یکدیگر علاقه دارند. پس استفاده از ضمیر مرجع‌دار مفرد به معنای این است که تقابل بین دو نفر است، حال می‌توان بین پدر و فرزند و یا مادر و فرزند باشد و استفاده از ضمیر مرجع‌دار جمع در زبان اسپانیایی به منزله این است که والدین به فرزندانشان علاقه دارند به عبارتی استفاده از ضمیر مرجع‌دار مفرد مفهوم فرد به فرد را تلقی می‌نماید و استفاده از ضمیر مرجع‌دار جمع گروه به گروه، موردی که مترجم به هنگام ترجمه ضمیر انعکاسی می‌تواند در نظر گیرد تا کمتر دچار اشتباه

گردد. در همین زمینه شایان ذکر است که تطابق توضیحی در زبان اسپانیایی به ترجمه وضعیت تطابق بین دو و یا چند عامل حاضر در عبارت کمک می‌کند. به عنوان مثال چنانچه عبارت شماره ۶ را به این صورت بیان کنیم:

۸. والدین و فرزندان یکدیگر را/ دوست دارند.

8. Los padres y los hijos se quieren los unos a los otros/ unos a otros/ uno a otro/ el uno a otro.

در مثال فوق چنانچه ضمیر مرجع دار los unos a los otros را داشته باشیم، بدین مفهوم است که والدین فرزندان خود را دوست دارند و بالعکس. و چنانچه ضمیر مرجع دار unos a otros را داشته باشیم، بدین معنا است که پدر فرزند دخترش را دوست دارد و مادر فرزند پسرش را که این ارتباط می‌تواند متقابل نیز باشد. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود تطابق و ضمیر مرجع دار عملاً تعیین کننده نحوه ترجمه در این گونه از عبارات می‌باشد، به ویژه زمانی که بیش از دو عضو در عبارت داشته باشیم.

اگر چه در زبان فارسی موضوع به گونه دیگری مطرح و بررسی می‌شود، ولی عبارات کمیت نمایی وجود دارند که با اضافه نمودن اطلاعاتی بیشتر به عبارت به فهم بهتر موقعیت متقابل کمک می‌کنند.

آنها یکدیگر را ملاقات نمودند.

آنها همدیگر را ملاقات نمودند.

آنها با هم ملاقات کردند.

که با توجه به موقعیت جمله و کمیت نما، خواننده پی به وضعیت تقابل و نیز نوع تقابل می‌برد.

نتیجه‌گیری

بنابراین نتیجه می‌گیریم که اگر چه در زبان فارسی، حالات تنابلی توضیحی و در زبان اسپانیایی تلویحی‌اند، ولی این موضوع مانع از ترجمه‌ناپذیری حالات تقابلی از زبانی به زبان دیگر نمی‌گردد. بلکه ضمایر مرجع دار در زبان فارسی و اسپانیایی به روش‌های متفاوتی مطرح می‌شوند. زبان اسپانیایی دارای نشان متقابل توضیحی است ضمن این که زبان فارسی فاقد آن است. با بررسی داده‌ها در زبان اسپانیایی به این نتیجه می‌رسیم که تقابل موجود بین جمله

پیشین و ضمیر مرجع‌دار تعیین‌کننده نحوه ترجمه موقعیت تقابلی در زبان مقصد می‌باشند. در زبان‌هایی که تقابل توضیحی نیست، از روش‌های دیگری برای نشان دادن تقابل استفاده می‌شود که هر زبانی با توجه به ساختار خود دارای این کمیت نماها است، با این یادآوری که البته کمیت نماهای فوق دارای ویژگی عام‌اند.

منابع

- 1- Chomsky, Noam (1995): *El programa minimalista*. Versión española. Madrid. Alianza Editorial, 1999.
- 2- Herman and Sung, *Anaphora: A Cross-Linguistic Study*, Oxford press, 1990
- 3- Hornstein Nurbert, *Move! A Minimalist Theory of Construal* (2000), Blackwell, Oxford.
- 4- Rabadán, Rosa, la traducción Inglés- Español: **fundamentos, herramientas aplicaciones**, Barcelona, 2003.
- 1- www.lenguayliteratura.com